

از جانشینان احتمالی مامه تیم تا بازگشت مهدی قاندي

مهاجمانی متفاوت برای استقلال



استقلال دائماً در حال خرید مهاجمانی است که اگر مامه تیم رفتنی شد، جای وی را در پیشانی خط حمله پر کنند اما تا این لحظه هیچ رونوشتی برای این سنگالی تاثیر گذار برابر با اصل نبوده است. مرتضی آقاخان که از پیکان آمده و روح الله باقری که فصل پیش با خونه به خونه بابل به فینال جام حذفی رسید خریدهای جدید آبی‌ها طی هفته‌های اخیر و در ارتباط با مسئله فوق هستند و با این که هیچیک و بخصوص آقاخان باز یکن تخصصی پست مهاجم هدف نیستند اما به این قصد خریداری شده‌اند که چنانچه تیم در پایان منطقه‌گردی‌های سرانجام پیراهن یک تیم عربی (مانند الهلال عربستان، الکویت کویت و یا هر تیم دیگری) رابه تن کرد آبی‌ها مهره‌هایی را داشته باشند که بتوانند کمی تقاسمی جور نبود وی در میدان را بکشند و بخشی از کارایی‌های وی را تکرار کنند. جابر انصاری و علی قربانی که بازمانده از فصول قبلی هستند و به اعتقاد مربیان استقلال و اکثر ناظران دیگر در فصل اخیر لیگ برتر ایران کار مهمی صورت ندادند، سایر گزینه‌های جانشینی تیم دست کم تاروژی هستند که وینفر دشر عذر آنها را خواسته است. این مربی آلمانی البته مهدی قاندي بازگشته از یک مصدومیت طولانی را هم در خدمت دارد اما او به کلی دور از تخصص‌های یک مهاجم نوک است و بیشتر در لب خط می‌درخشد و با این که توان گلزنی هم دارد اما به قدری نحیف و کوچک جثه است که ایستادنش در نوک حمله پیش از آن که حریفان استقلال رابه زحمت بیاندازد، برای خود وی در دسرساز و در بردارنده خطرات مصدومیت‌های بزرگ و تازه است.

یک کمبود بزرگ

تاقبل از آمدن تیم استقلال از هر نظر کمبود یک «مهاجم هدف» حرفه‌ای را در پیشانی خط حمله اش حس می‌کرد و به همین سبب سخت و بد و کم گل می‌زد ولی همسوا با جافتادن اندیشه‌های شفر در این تیم و بالا رفتن آمار گلزنی آن، مربی کهنه کار ژرمن پس از ماه‌ها بررسی دقیق در احوالات خارجی‌های کاندیدی عضویت در این تیم را برگزید و با این که خیلی‌ها معتقدند خوب آب در آمدن این هندوانه در بسته بیشتر محصول شانس خوش آبی‌ها بوده و ریشه در یک جستجوی علمی و اساسی نداشته اما هر طور به قضیه نگاه کنیم، تیم در نیم فصل دوم لیگ هفدهم به درجه‌ای از کارایی و پرفرمنی در استقلال رسید که اگر از ابتدای فصل جذب می‌شد، شاید تغییراتی بنیادین را هم در جدول رده‌بندی به سود آبی‌ها رقم می‌زد.

رهایی روحی

حتی اگر این احتمال را یک گمانه‌زنی ثابت نشده بیانگاریم، تیم در نیم فصل دوم چنان گل‌های حرفه‌ای و حساسی را به سود آبی‌ها زد که نمونه آن معمولاً نزد مهاجمان نوک ایرانی دیده نمی‌شود و با همان گلها و پیروزیهایی حاصله کل استقلال را رهایی روحی بخشید و به روزهای خوش باوری بازگرداند و محصول بزرگ آن فتح جام حذفی کشور و ارتقای تیم در جدول نهایی لیگ برتر تا رتبه سوم بود. تبه‌ای که وقتی علیرضا منصوریان استقلال را هدایت می‌کرد، حتی به چیزی پیش از آن هم دست یافت و آبی‌ها را در پایان لیگ شانزدهم به رتبه دوم رساند اما جذب تیم در ماه‌های پایانی لیگ هفدهم سبب شد آبی‌ها در فاز مهاجم به کارایی‌ها و حضورهایی مجهز شوند که پیشتر و لاقدر در دو سه لیگ اخیر فاقد آن بودند و رنج‌ها و

ضررهای آن را هم متحمل شده بودند.

از سجاد تا نیم فصلی‌ها

در همین ارتباط سجاد شهباززاده در دومین مقطع حضورش در خط حمله استقلال که لیگ هفدهم را در بر گرفت بسیار کمرنگ‌تر از مرتبه نخست ظاهر شد و سرانجام این تیم را برای دوم ترک گفت و از یاد نبرده‌ایم که در کنکورهای پایان ناپذیری که امیرقلعه‌نویی و سپس علی منصور برای افزودن بر کارایی خط حمله آبی‌ها بر گزار کردند، نفراتی مثل امین منوچهری و مهرداد اولادی نیز فقط یک فصل دوام آوردند و برای ایمان موسوی نیز مدتی چندان بیشتر از این اعمال نشد و اسماعیل شریفیات هم پس از یک فصل به جنوب بازگشت و پروپژیز هم انگار فقط برای شکایت به فیفا و وصول قهری طلبش از آبی‌ها به عضویت آنها درآمده بود!

اگر کار را تمام نکنند

همه در دسرها فوق و تمامی نمایش‌های آسان و موقعی که تیم در چهار پنج ماه اخیر ارائه داده، نشانگر این واقعیت مسلم و نیاز ضروری است که استقلال باید تا سر حد امکان خواسته‌های وی را بر آورد و او را ماندنی و از الحاقش به رقبای دربی جلوگیری و کار را در این زمینه تمام کند زیرا تا زمانی که آبی‌ها فقط به ابراز اطمینان کلامی برای حفظ وی قناعت کنند و پیوسته بگویند تیم برای ماندن به توافق رسیده (اما خبری از رسمی و اجرایی شدن این مسئله نباشد) هر لحظه احتمال دارد وی جذب تیمی در منطقه شود که سریعتر بیشتر از آبی‌ها بدون تاخیر به وی پول‌های کلان می‌دهد و در آن صورت مدیران استقلال برای داشتن یک خرید موفق تازه همچون او به چالشی سخت‌تر از حد تصور برخورد خواهند کرد.

حالا که قاندي بازگشته است

نمونه‌های ناآرامی و حادثه‌جویی در میان فوتبالیست‌هایی که در عین جوانی مشهور می‌شوند، اندک نبوده است و در نتیجه از آنچه در ارتباط با مهدی قاندي دیده شده، تعجب نکرده‌ایم اما این جای بحث موقتی دارد که وسایل درست تأدیب رفتاری و ایمن‌سازی محیط چیست و چه باید کرد که این بازیکنان خوب و ذاتاً سالم، استعداد‌های خود را هدر ندهند و در میدان فعالیت هر چه بیشتر بمانند و به ورزش کشور خدماتی بلیغ ارائه کنند.

قاندي که از ایران جوان بوشهری می‌آید، لزوماً یادآور اتفاقاتی نیست که دو دهه پیش برای مجاهد خذبروی روی داد و او انشاءالله در میدان می‌ماند و اتحادساز و اعتبار آفرین خواهد شد اما هر چه پیرامون وی روی دهد و آنچه جوهره وجودی او را می‌سازد، از عملکرد اطرافیان وی نیز برمی‌خیزد و سرنوشت او بستگی به کارهایی دارد که نزدیکان قاندي برای منزه‌سازی دور و بر وی انجام می‌دهند و تجربه یک مسأله این جوان مستعد در استقلال حاکی از آن است که به رغم ادعاها و اظهارات فراوان متأسفانه چنین نظارتی بر این مهاجم تکنیکی و چشمگیر اعمال نشده و حادثه تصادف مهلک چندی پیش اتومبیل حامل وی در بوشهر-شهر زادگاهش- تبعات آن چنان تلخ بوده است که متأسفانه از طیف تأثیر گذاری صرف بر روی خود او فراتر می‌رود و جان فرد «دیگر»ی رابه هدر داده است.